

تشخیص مشکلات مهم، ولیدریافت راه حل ها مهمتر است!

در صفحه فیسبوکی محترم رمضان بشردوست کلیپ ویدیویی دلچسپ را دیدم که نمیتوان از کنار آن با بی تفاوتی گذشت.

محترم بشر دوست در مصاحبه با جناب یمایاوش در تلویزیون طلوع نیوز در برنامه فراخبر بتاریخ ۶ جنوری سال ۲۰۱۵ در صحبت های خویش بر ریشه، مشکلات و نواقص حکومت وحدت ملی روشنی انداخته و «کارنامه های تاریک حکومت صدروزه ع و غ» را به شدت انتقاد نموده، آن را وحشتناک توصیف کرده است. وی ملت را به بیداری دعوت نموده، شعار سرنگونی حکومت وحدت ملی را عمده ساخته، و مردم را به این امر تشویق نموده است.¹ میخوام در اینجا نظر خویش را با محترم بشردوست و سایر دوستان و سیاستمداران وطندوست و دردمند کشور عزیزم شریک بسازم.



به نظر من در این کلیپ ویدیویی با واقعیت ها تماس گرفته و مشکلات یاد دهانی شده است، اما راه حل واقعینانه، ممکنه و کم مصرف نشان داده نه شده است. مردم افغانستان در شرایط فعلی نمیتوانند بطور عاجل و آنی خود را از اسارت دین فروشان و قوم فروشان برهانند و به دور افراد صالح و پاک این وطن جمع نمایند. این واقعیت ناخوش آیند را باید بپذیریم که همین تجاران قومی و سیاسی تا سالهای دیگر بر گرده ملت سوار خواهند ماند. در طول ۱۳ سال حاکمیت قبلی، اساساً دیکتاتوران منفور مردم، جنگ آور و خودپرست عنان سیاست کشور را در دست داشتند. اینها زیر نام اعمار

کشور به جمع آوری پول و ثروت شخصی و بنام دموکراسی به ترویج انارشی و رسوم سیاست عشیروی پرداختند. ساختن سیستم های دموکراتیک بدست و توسط افکار زور گویان و مستبدان امر غیر ممکن بود. اینها در این سالها بعوض نهاد های دموکراتیک، اساسات سیاست تنظیمی، قومی و قبیله ای را تقویت کردند، خطوط قومی را برجسته و خودشان به صد چال و نیرنگ در رأس اقوام و قبایل قرار گرفتند. وسایل سیاسی را در انحصار خویش درآوردند. اقتصاد کشور را قبضه کردند. زور و اسلحه را در اختیار خویش نگاه داشتند. مردم را به اشکال مختلف گروگان و تحت تاثیر آوردند. از انتخابات بحیث یک توطئه برای اخذ و حفظ قدرت استفاده کردند. حالا افغانستان عزیز ما نه پارلمان درست دارد و نه قضا و نه حکومت؛ نه احزاب قوی دارد و نه نهادهای مدنی مستقل، فعال و تاثیر گزار؛ نه مطبوعات ملی، خود کفا و خود گردان، مستقل و توانا دارد و نه مردمبیدار و دارای سواد سیاسی مناسب؛ نه بودجه برای امور دولتی دارد و نه هم امکان تسلیح قوای مسلح. میهن عزیز ما از یکطرف در گیرجنگ مسلحانه در بین طرفداران و مخالفان سیستم کنونی میباشد و از جانب دیگر با تسلط حلقه ها وابسته با مافیا و استخبارات خارجی در چوکات دولت در کابل مواجه هست. خلص اینکه کشور در حالت بدی قرار دارد که اگر مشکلات آن را برشمریم سلسله نبشته حاضر بسیار طویل میگردد. در چنین شرایط چه باید کرد؟

به نظر من بعد از آنکه آب را دید، موزه از پایباید کشید. یعنی اولویت ها تشخیص و فعالیت ها درجه بندی شوند. بعد از گذشت یک مرحله از مشکلات، برای عبور از مرحله دیگر به تجمع نیروها با در نظر داشت تحلیل مشخص در اوضاع مشخص پرداخته شود. از همه اولتر باید در سمت تشنج زدایی و اعتماد آفرینی بین گروه های مختلف اجتماعی سعی و تلاش صورت گیرد. به تک تازی و

اندیویدوآلیسم سیاسی نقطه پایان گذاریده شود. باید به تنظیم و وحدت عمل نیروهای سیاسی در چوکات ساختارها، سازمان ها و احزاب سیاسی اقدام گردد. نهاد های مدنی مستقل ایجاد و رشد داده شود. احزاب تاثیر گزار سیاسیینان گذاری و تقویت شود، تا الترناتیف بهتر برای وضعیت کنونی بوجود آید. درحالت پراگندگی کنونی نیروهای پاک، وطن دوست و بشردوست متأسفانه هنوز نمیتواند الترناتیف بهتر از حکومت وحدت ملی برای حل معضلات مغلق موجوده گردند. به نظر من اشرف غنی در شرایط فعلی نظریات نسبتاً خوب در مورد حکومتداری مدرن و تجربه عملی زیست دموکراسی را دارا میباشد، چه بهتر که در تعمیم آن با وی همکاری شود. عبدالله هم اصلاحات را وعده داده است. حالا که حکومت دوسره و وحدت ملی بالای ما تحمیل گردیده و امکان برگشت به عقب هم غیر ضروری، محال و غیر مفید به نظر میرسد، سعی در ایجاد نیروی آینده ساز شود و طبق پلان منظم با همکاری نیروهای وطن دوست فعالیت های اصلاحی سر دست گرفته شود. در شرایط کنونی بدیل حکومت وحدت ملی به احتمال قوی یا سیستم فاسد قبلی حامد کرزی خواهد بود و یا اینکه مخالفین مسلح دولت زمام امور را در دست گیرد. وریانت دیگر چه میتواند باشد؟

اول باید الترناتیف ملی و دموکراتیک سازماندهی، تقویه و به مردم معرفی شود، بعد از آن تغییر حکومت و دولت کار مشکل نخواهد بود!

حکومت وحدت ملی مرام و مطلوب افغانها و سیاستمداران دموکرات کشور نمیباشد، بلکه زاده و مولود جبری شرایط تاریخی ناگوار است که درطول سیزده سال حکومت حامد کرزی بوجود آمده است. این موضوع که چسان و از جانب کی طرح چنین حکومت ریخته و به چه طور بالای مردم محتاج و دربردار ما تحمیل شده است، اهمیت درجه دوم دارد. ایجاد و تحمیل حکومت وحدت ملی در حقیقت نشانه از ضعف، ناتوانی و بیکیفیتی نیروهای سیاسی ملی و دموکرات در کشور نیز است که در طول سالهای متوالی نتوانستند حد اقل برای اهداف مقطعی به تشکیل نهاد های سیاسی کوتاه مدت به خاطر وحدت عمل و بدیل سیاسی مترقی و وطن دوست در کشور موفق گردند.

برای نیروهای وطن دوست و مردم عادی افغانستان مشکل و ناممکن خواهد بود که بدون امکانات لازمی و سازماندهی و تشکل قوی در عین زمان در چندین جبهه موفقانه برزمند. از یک جانب با افراطیت و ترور دست و پنجه نرم کنند، از جانب دیگر با مافیا و جنگسالاران و از سوی دگر با حکومت وحدت ملی در کشمکش باشند. دشمنان وطن و مردم افغانستان باید درجه بندی گردد و از لحاظ ستراتیژی و تکنیک بهتر خواهد بود که بر ضد بدترین ها از بدحمایت شود.

برای عمران آینده کشور باید از شرایط گذشته تاریخ آموخت، اما نباید در آن زندگی کرد. کشور ما از مرحله انتخابات و جنجالهای انتخاباتی سال ۲۰۱۴ میلادی گذشته و باید برای آینده بهتر از همین نقطه زمانی به بعد فعالیت آغاز گردد. موضعگیری در قبال حکومت وحدت ملی ارزش آن را دارد، تا نیروهای ملی و دموکرات در این باره مجدداً و با دقت مزید بیاندیشند که آیا بهتر نخواهد بود که فعالیت های خویش را در گام اول برای تعمیم منشور انتخاباتی تحول و تداوم و شعارهای اصلاحات و همگرایی متمرکز و مشترکین دولت به تفاهم و وحدت عمل تشویق گردند، زیرا که در شرایط کنونی به نظر من بدیل فوری بهتر از آن را در اختیار نداریم.

¹<https://www.facebook.com/video.php?v=10153100913940555>